

حکمت روز
امام صادق (ع)

صبر سه نوع است: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر ترک گناه.

کافی(ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۵

مناجات
علامه حسن زاده آملی

الهی، تا حال تو را پنهان می داشتیم و حال جز تو را پنهان می دانم.

الهی، آن که را دل باز دادی، دهان بسته است، این سخن پر داز دل بسته است.

الهی، مرا بر همه سلطنت دادی، به سلطانت مرا بر من سلطنت ده!

الهی، حسن از دست خود چنان بودو در دست تو چنین شد، شکرت که آن چنان این چنین شد.

الهی، تو را دارم چه کم دارم، پس چه غم دارم.

الهی، هر که را می بینم با خود است، مرا با خودت دار!

با شاعران
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div>

خراسان به روایت فرسان
۲۲ اسفند ۱۳۵۵

مادری کودک خود را معتاد کرد

۴۲ سال پیش در چنین روزی،روزنامه «خراسان»نوشت: زنی نابینا که از بی خوابی طفل خردسالش به سئوه آمده بود از چندی قبل برای خوابانیدن او هر روز مقدار کمی تریاک به او می خوراندو بچه هم ساکت می شودو می خوابید اما با ادامه این رویه که مادر در پیش گرفته بود، فرزندش به مواد افیونی معتاد شد. رفته رفته مقدار تریاک که هرروز به او می خوراند،دیگر اثر خود را از دست دادو کودک نمی توانست پس از مصرف آن آرام شودو بخوابد. از این رو مادر مقدار زیادی تریاک به خود راو می دادو در نتیجه کودک دچار مسمومیت شدیدی شد و با حالتی وخیم، به وسیله یکی از همسایگان و مادرش، که بنای داد و شیون گذاشته بودو کیسوان خود را دسته دسته می کند، به بیمارستان منتقل شد. این طفل که احمد نام دارد، با بییهوشی کامل در بخش مسمومین مرکز

یزشکی بستری شد.

● **در یک نزاع جمعی، دو نفر به شدت مجروح شدند**
ماجرای شروع این نزاع از این قرار است که، رسول وعلی در حالی که در خیابان طبرسی مشهد قدم می‌زدند، ناگهان مورد حمله سه نفر قرار گرفتند که قصد سرقت پول های آن‌ها را داشتند. رسول و علی در صدد دفاع از خود برآمده و با سه مهاجم درآویختند. در این درگیری علی و رسول به شدت مجروح وروانه بیمارستان شدند. افراد پلیس کلاترتی ۴ مشهد خود را به محل متازعه رساندند و سه ضارب را دستگیر کردند و به کلاترتی بردند. ضاربین پس از تشکیل پرونده در کلاترتی، روانه دادسرا شدند تا تحت محاکمه مقامات قضایی قرار گیرند.

هرچی به قله نزدیک تر بشی

راه لغزنده تر و فریبنده تر می شه

سریال خانه پوشالی (به انگلیسی: Houseof Cards)
کارگردان: یوویلیمن

<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div>

<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Nishapur</div></div></div></div><div>نیشاپور</div><div><div>۰۷۱۷</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Quchan</div></div></div></div><div>قوچان</div><div><div>۰۱۷-</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Sabzevar</div></div></div></div><div>سبزوار</div><div><div>۴۷۱۹</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Dargaz</div></div></div></div><div>درگز</div><div><div>۵۷۲۲</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>TorbatHeydarieh</div></div></div></div><div>تربت حیدریه</div><div><div>۱۷۱۵</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Torbatjam</div></div></div></div><div>تربت جام</div><div><div>۲۷۱۸</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Taybad</div></div></div></div><div>تایباد</div><div><div>۵۷۲۲</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Mashhad</div></div></div></div><div>مشهد</div><div><div>۴۷۱۸</div></div></div></div></div>
---	---	--	--	--	---	--	---

روزنامه خراسان ر ضوی:
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سر دبیر: سیدعلی علوی

گزارش
محمد حسام مسلمی

<div><div><div><div><div><div></div><div><div>همراه با طلبه های که هر هفته سهمیه غذای یک روز خود را به مردم نیازمند حاشیه شهر می دهند</div></div></div></div><div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>اقدام ساده</div></div></div></div><div></div><div><div><div><div>الگوسازی بزرگ</div></div></div></div></div></div></div>
<p>عکس: سید مجید هاشمی</p>	

اهالی محل برای من تهیه کرده اند. وقتی از خانواده اش سوال می کنم انگار تمام سختی هایی که کشیده مقابل چشمانش می آید و داستانش را روایت می کند: بدبختی من زمانی شروع شد که پدر و مادر مرا از دست دادم، قبل از این که آن ها از دنیا بروند بر ایم آستین بالا زدند و از دواج کردم اما به خاطر بچه دار نشدن، همسر ما من طلاق گرفت و نهاییام گذاشت. بعد هم پدر و مادر مرا از دست دادم و می بینم انگار فرزندان خودم به خانه من آمده اند، نمی دانم چطور از این که یک زن غریب را تنها نگذاشتید تشکر کنم، دوست دارم در این خانه مجلس روضه بر گزار کنید....

● **خیالم از غذای یک روز راحت است**

سرش را پایین می انداز دو می گوید: کارگر گذری هستم، برخی روز ها تاشب سر گذر می ایستم اما کار گیرم نمی آید، حتی برخی روز ها پول خرید یک نان هم ندارم. اما شکر خدا یک روز در هفته خیالم راحت است، می دانم که خیرانی مثل این طلبه های جوان به فکر ما هستند و بر ایمان غذا می آورند. نمی دانم از این بچه ها چگونه تشکر کنم که غذای خودشان را برای من و امثال من می آورند.

● **نگاهان به در بود که بر سید**

مقصود بعدی ما خانه زوجی است که زیر سقف یک چهار دیواری خشت و گلی روزگار می گذرانند. آن ها با شنیدن صدای ماشین خود را به در خانه می رسانند، از خوشحالی اشک در چشمان شان حلقه می زند و به طلبه های می گویند: متشکرم که امروز هم آمدید، نگاهانم به در خانه بود که شما بر سید، کمی درد آمدید، فکر کردیم شاید امروز سراغی از ما نمی گیرید.... خانم خانه از این که جای مناسبی برای پذیرایی از ما ندارد اظهار شرم ندگی می کند. دقایقی با او گفت وگو می کنیم بر ایمان از مشکلاتش می گوید: همسرم مریض احوال است و نمی تواند هر روز سر کار برود، بچه هایم هم نمی دانند ما در این جاز ندگی می کنیم، اگر بداندن آبرویمان می رود اما ناچار هستیم در این جاز ندگی کنیم....

● **هر روز دعایشان می کنم**

نیم نگاهی به داخل خانه می اندازم، نه از روشنایی برق خبری است و نه از وسایل گرمایشی، از او می پرسم: با نداشتن برق و وسایل گرمایشی چه می کنید که باور شکسته با پیک نیک این جا را گرم می کنیم و صبح نمی دانیم زنده ایم یا مرده، چکار کنیم مجبور هستیم. باز هم خدا را شکر که خیران کمک ما من می کنند، وقتی گاز پیک نیک تمام می شود به یکی از آن ها رنگ می زنم و او هم سریع می آید و پیک نیک ما را بر می کند، خدا خیرش دهد.... او از طلبه هایی که برایش غذای گرم آورده اند هم تشکر می کند: هر روز دعایشان می کنم، می دانم که هفته ای یک روز غذای خوب می خورم، این که طلبه های جوان به یاد افرادی مثل ما هستند خوشحال ما من می کند. از گذشته او سوال می کنم و این که چرا این جا در حاشیه شهر ندگی می کند. او می گوید: شوهرم قبلا کار داشت اما ور شکسته شد. برادر اتم گفتند طلاق بگیرم اما من گفتم هیچ وقت شوهرم را تنها نمی گذارم، چون با او عهد بستم تا آخر بمانم، حتی اگر مجبور شویم داخل چادر ندگی کنیم هم کنارش می مانم.

● **نمی دانم چگونه تشکر کنم**

مسیر بعدی ما منزل پیرزنی ۷۴ ساله است، هم راه با طلبه های جوان وارد کانکسی می شویم که محل زندگی یک خانواده است. صاحبخانه مجبور شده از شدت سرما روی کانکس را با فرش کهنه و پارچه ای ببوشاند. مرد میان سال که چین و چروک روی صورتش حکایت از گذران روزهای سختی دارد، لیخنند می زندو حس چشم هایش با گرفتن غذای گرم، گرم می شود. در کنار او می نشینم تا از روز هایی که بر او گذشته بر ایمان بگویم و این که چرا در گوشه ای از شهر در کانکس زندگی می کند. خودش را «غلام رضا» معرفی می کند و می گوید: یک کار گر ساده هستم و تنها دارایی ام همین کانکس چهار متری است که

حکایت

صیادی ضعیف ولاغر و تر صید ماهی را به آب انداخت تا ماهی بگیرد. ماهی نیرومند و بزرگی به داخل تور افتاد.نیروی ماهی بر نیروی صیاد بیشتر بود، به طوری که آن ماهی، نور را در دست صیاد کشید و رفت. بشد غلامی که آب جوی آر د ماهی این بار رفت و دام ببر د صیادان دیگر افسوس خوردند و آن صیاد را سرزنش کردند که: چنین شکار بزرگی به دام تو افتاد ولی نتوانستی آن را بگیری. صیاد گفت: ای دوستان! چه می توان کرد؟ این ماهی روزی من نبود و هنوز اجلش فرا نرسیده بود. آری اگر صیاد روزی اش نباشد، در رودخانه توان صید کردن ندارد و ماهی اگر قسمتش نباشد در بیرون از آب، جان ندهد.

۱ _ غلامی هر روز به کنار رود می رفت و آب می آورد ولی این بار رفت و آب رودخانه او را با خود برد.

حکایت های گلستان سعدی به قلم روان

<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Nishapur</div></div></div></div><div>نیشاپور</div><div><div>۰۷۱۷</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Quchan</div></div></div></div><div>قوچان</div><div><div>۰۱۷-</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Sabzevar</div></div></div></div><div>سبزوار</div><div><div>۴۷۱۹</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Dargaz</div></div></div></div><div>درگز</div><div><div>۵۷۲۲</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>TorbatHeydarieh</div></div></div></div><div>تربت حیدریه</div><div><div>۱۷۱۵</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Torbatjam</div></div></div></div><div>تربت جام</div><div><div>۲۷۱۸</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Taybad</div></div></div></div><div>تایباد</div><div><div>۵۷۲۲</div></div></div></div></div>	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>Mashhad</div></div></div></div><div>مشهد</div><div><div>۴۷۱۸</div></div></div></div></div>
---	---	--	--	--	---	--	---

نمبر دبیر خانه: ۰۵۱۳۷۶۴۳۹۵
نمبر دبیر انجمن: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پدیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۰۲۰۰۹۹۹

یادداشت
عباس قائد رحمت

معاون توسعه سرمایه اجتماعی در سازمان امور اجتماعی کشور

اهمیت بستر سازی برای توسعه نشاط اجتماعی با هدف تحقق جامعه توسعه یافته

نشاط اجتماعی از ملزومات اصلی بویابی و توسعه هر جامعه‌ای است، این مقوله یکی از مهم‌ترین و موثرترین شاخص‌های اجتماعی در گسترش احساس رضایت عمومی از زندگی، بسط تعاملات اجتماعی سازنده، رشد اعتماد عمومی و مشارکت همه جانبه اجتماعی به شمار می‌رود. از آن‌جا که افزایش نشاط و شادکامی در یک جامعه پیامدهای مثبتی در آن جامعه به همراه دارد، پس بایسته است به منظور کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و تأمین سلامت روانی جامعه، به این مقوله توجه ویژه‌ای شود. نشاط اجتماعی قبل از هر چیزی بر روابط اجتماعی افراد اثر مثبت می‌گذارد، این مقوله در عین این که متأثر از میزان بالای مشارکت در جامعه است، به تعاملات و مشارکت اجتماعی بیشتر منجر می‌شود و زمینه را برای همبستگی و انسجام اجتماعی بالا در جامعه فراهم می‌سازد. در حقیقت نشاط و شادکامی موجب نگرش مثبت به زندگی، خودپنداری مثبت، امیدواری به آینده، نگرش مطلوب و رضایت‌آمیز به خود و دیگران، روابط اجتماعی متعال، انتخاب آگاهانه اهداف زندگی، تلاش برای تحقق اهداف، افزایش موفقیت‌های زندگی، بر خورداری از شاخص‌های بالای زندگی، عملکرد بهتر شغلی-تحصیلی و تصمیم‌گیری بهتر می‌شود. به عبارت دیگر در جامعه با نشاط و شاد کام استعدادهای افراد شکوفایی‌شود و فادوامنیت را برای تمام مردم آن جامعه به ارمغان می‌آورد. در مقابل جامعه افسرده، خموده و غمگین هر روز بر مشکلاتش افزوده می‌شود و با شتاب و به انحطاط حرکت می‌کند. با بررسی نگرش جامعه از منظر جسمانی، روانی و اجتماعی، می‌توان به میزان نشاط اجتماعی آن‌پی برد، زیرا این مفهوم به نوعی بیانگر کارایی فردی است و به سرمایه گذاری افراد در روابط اجتماعی و در اختیار گرفتن منابع موجود در این روابط در جامعه و ایجاد بهر هوری کمک می‌کند. شواهد نشان می‌دهد نشاط اجتماعی در جامعه ما کاهش یافته؛ چنان‌که موج فراپنده افسردگی، افزایش طلاق، گرایش به مواد مخدر، بزهکاری و بسیاری از مشکلات دیگر را طی سبنوات گذشته به عنوان واقعیت‌های انکارناپذیری شاهد بوده‌ایم که نشان می‌دهند نشاط اجتماعی در حال رخت بستن از جوامع است. در نبود نشاط و شادکامی، یعنی در جامعه‌ای که میزان نشاط آن پایین است، با افرادی منزوی مواجه هستیم که به نوعی دچار خوت شده‌اند و آن جامعه به سوی نابسامانی اجتماعی و کو‌دپیش خواهد رفت. مهم‌تر از همه آن است که کسالت، دل‌مردگی و نداشتن نشاط اجتماعی بستر مناسبی برای روی آوردن به آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌آید. تلاش برای ایجاد طراوت و سرزندگی در فضای کلی جامعه و فراهم آوردن به‌نام‌های نشاط‌بخش مانند امکانات فرهنگی و تفریحی برای عموم، راهکارهای پیشگیرانه مناسبی به نظر می‌آید.

تقویت شبکه پیوندهای اجتماعی مانند قوام بنیان خانواده‌ها و کمک به ترمیم بافت روابط خانوادگی، تشکیل‌های غیر دولتی و گروه‌های مردمی خیر خواهانه نیز از جمله راهکارهایی است که ما را در این مسئله مهم یاری می‌سازند. همچنین باید توجه داشت که تحکیم روابط انسانی از طریق مشارکت میسر می‌شود. جامعه‌ای که در آن میزان مشارکت، همکاری و نوع دوستی بین افراد بالا باشد، افراد با وجود پیگیری مباحث شخصی خود، در پیشبرد دامور و ضرورت‌های دیگر (به نفع جامعه و اعضای آن) همت می‌گمارند. این مشارکت جویی نوعی احساس رضایت و انرژی مثبت در افراد ایجاددو نتیجه ضمن ارتقای امید، انگیزه، کنش‌گری اجتماعی را نیز افزون می‌کند. علاوه بر این دیدو باید نزدیکان هم‌مینه را تباطات عاطفی و انسانی را توسعه می‌بخشد و افراد را در شبکه‌ای از روابط منطقی قرار می‌دهد. وقتی خویشاوندان در یک جمع صمیمی حضور می‌یابند و دادوستد عاطفی برقرار می‌کنند، نیازهای روانی و عاطفی آنان تأمین می‌شودو احساس رضایت از زندگی خواهند داشت. علاوه بر این اعتقادات مذهبی نیز می‌تواند تأثیر ویژه‌ای در آرامش‌بخشی به افراد داشته باشد، به طوری که افرادی که واقعا مذهبی هستند، گرایش کمتری به انحرافات دارند و رفتارهای نیکو، جامعه پسند و انسان دوستانه بیشتری بروز می‌دهند که این مهم قطعا به تحقق نشاط اجتماعی در جامعه کمک خواهد کرد. ذکر این نکته ضروری است که افزایش نشاط و شادکامی، امیدآفرینی فردی و اجتماعی، مفهومی فراتر از یک احساس شادمانی و خرسندی سطحی و معمولی دارد. به تجربه ثابت شده شادی و شادمانی ماده اولیه تغییر جامعه و تحول و تکامل درونی انسان هاست. در جامعه خوشحال و خرسند تولید بهتر، اشتغال بیشتر و اقتصاد سالم‌تر محقق می‌شود و بدون شک در چنین فضایی، امنیت اجتماعی در فردی راحت‌تر به دست می‌آید. در محیط شاد و پر نشاط، ذهن انسان پویا، زبانش گویا و استعدادش شکوفایی‌شود. شاد بودن جامعه یکی از عوامل موثر بر توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. از این رو علاج واقع‌پیش از وقوع باید کرد، براین اساس لازم است مسئولان و متولیان امور شرایط و بسترهای مناسب را برای بروز نشاط اجتماعی در سطح وسیع فراهم کنند. همچنین در نهادهای سازفرهنگ نشاط اجتماعی باید به تمامی ابعاد شناختی، عاطفی-هیجانی و اجتماعی توجه شود، به‌طور مثال در بُعد شناختی باید مثبت‌اندیشی در جامعه رواج داده‌شود. در بُعد اجتماعی باید حالت‌های خلقی پایدار مورد توجه قرار گیرد و بیشتر روابط اجتماعی قوی و مطلوب لحاظ شود. موارد ذکر شده موجب می‌شود احساس و ادراک شادی در جامعه نهادهی شود. بنابراین اگر بخوایم سطح پوشش نشاط و شادی در جامعه دنبال شود، باید برای تحقق این مسئله در خانواده، محله، شهر، محیط آموزشی، محیط کار و رسانه تلاش کنیم، چرا که یک جامعه بانشاط می‌تواند به اهداف مهم در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... دست یابد و تصمیم‌گیران جامعه همواره می‌توانند از این مقوله به عنوان یک فرصت بهینه بهره بگیرند. اگر مردم یک جامعه احساس نشاط، شادکامی و رضایت‌مندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه یافته تلقی کرد و این نشان دهنده اهمیت نشاط و شادکامی در جامعه است.

بریده کتاب

من به این مسئله پی برده‌ام که انسان‌ها با نیروهای متفاوتی غیر از نگاه کردن، گوش دادن و مطالعه شکل می‌گیرند. همه ما قربانی تصادفی دی‌ان‌ای والدین خود هستیم. به شانس اعتقاد داریم و شرایط و نوع تحصیلات نیز اهمیت دارند. ب‌این حال، همه دارای دو ابزار بسیار قدرتمند هستیم که:

کاملاً تحت کنترل ما قرار دارند:

چشم و گوش‌مان. نگاه کردن به

دیگران، گوش دادن به توصیه‌های آن‌ها و مطالعه درباره مردم، سه مورد از بهترین کارهایی هستند که من تا به این جای زندگی ام انجام داده‌ام.

کتاب رهبری نویسنده: **آلکس فرگوسن**

